

منصب داروغه در دوره صفویه

شهرام یوسفی فر*

محمد بختیاری**

چکیده

در دوره صفویه برخی از وجوه ساختاری و عملکردی مناصب اجرایی کشور دگرگونی‌هایی را از سر گذرانید و در جریان آن شماری از آن مناصب به‌منظور اثربخشی بیش‌تر در مأموریت‌های اداری، سیاسی، اقتصادی، و اجتماعی مربوط توسعه و تکامل یافت. از آن جمله منصب داروغه، که پیدایش آن به دوره قبل از صفویه مربوط بود، در این دوره برخی دگرگونی‌های ساختاری و عملکردی را پذیرا شد و در نتیجه آن نقش و عملکرد اداری و سیاسی آن به همراه منزلت و جایگاه اجتماعی آن، تحول یافت. الگوی ساختار و عملکرد منصب داروغه که در دوره صفویه ظاهر شد، در ادوار بعد میل به انحطاط یافت و در اواخر دوره قاجار زوال یافت. در این مقاله بررسی تاریخی مبتنی بر اسناد و داده‌های موجود در منابع، از ساختار و عملکرد منصب داروغه در دوره صفوی، صورت می‌گیرد. نتیجه این تحقیق نشان می‌دهد در این دوره به‌علت توسعه کارکردهای این منصب، این عنوان برای صاحب‌منصبان نظامی و اداری، استفاده می‌شد و داروغه‌ها نقش و عملکردهای گوناگون و مهمی در حوزه‌های اجرایی، قضا، و امنیت اجتماعی برعهده داشتند. اهمیت و منزلت اداری و اجتماعی دارندگان این منصب سبب می‌شد آنان افزون‌بر وظایف اصلی خود گاه به‌عنوان سفیر، مشاور، و عامل مالی به‌کار گرفته شوند و مأموریت نظامی و مواردی دیگر را به‌عهده بگیرند.

کلیدواژه‌ها: داروغه، صفویه، عامل قضایی، مناصب اداری، امنیت اجتماعی، داروغه دفترخانه.

* دانشیار گروه تاریخ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی shyousefifar@yahoo.com

** دانشجوی دکتری تاریخ، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۱/۱۱، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۲/۲۳

۱. مقدمه

بررسی ساختار، عملکرد، و نقش سیاسی و اجتماعی مناصب اداری یک دوره تاریخی تأثیر بسزایی در فهم ژرف‌تر مناسبات اجتماعی و تحولات نظام مدیریت اجرایی و سیاسی آن دوره دارد. بر همین اساس، بررسی منصب داروغه به منزله یکی از مناصب و مشاغل میانی، در برابر مناصب اصلی و پایینی جامعه شهری دوره صفویه، ساختار و عملکرد قضایی و انتظامی آن، جایگاه سیاسی و نحوه برخوردش با دیگر مناصب کشوری و لشکری، و اعتبار آن در نزد سایر گروه‌های اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است. این منصب از جمله مناصبی بود که پیش از صفویه ظاهر و وظایف گوناگونی برعهده داشت و در این دوره، در نتیجه تحولی که یافت، نقش مهمی در اداره امور ایفا کرد و به اوج قدرت خود رسید. در دوره صفویه، داروغه علاوه بر انجام دادن وظایف اصلی خود در امور انتظامی و قضایی، گاه به عنوان سفیر، مشاور، محصل مالیات، و نظایر این‌ها به کار گرفته می‌شد. در واقع، وظایف داروغه به سبب نبودن تمایز میان طبقات گوناگون حکومتی، نبود هرگونه تعریف روشن از مناصب، تأثیر قدرت و نفوذ یا نالایقی او، میزان نفوذ و قدرت پادشاه و سایر صاحب‌منصبان حکومتی، قرارگرفتن کشور در موقعیت جنگ یا صلح، و بسیاری از عوامل دیگر در حال تغییر بود. علاوه بر این، تغییر و تحولات حکومت صفوی از ماهیت نظامی و مذهبی اوایل صفویه به ماهیت دیوان‌سالاری و متمرکز دوره شاه عباس (۹۹۶-۱۰۳۸ق) و دوره زوال بعد از مرگ وی، تأثیر عمده‌ای در میزان قدرت و کثرت وظایف داروغه و تعدد مناصب آن داشته است. اما با سقوط حکومت صفوی به تدریج از اهمیت داروغه در سازمان اداری ایران کاسته شد تا جایی که در دوره زندیه در زیردست کلاتر به ادای پاره‌ای از وظایف قبلی خود پرداخت (وره‌رام، ۱۳۶۸: ۲۴۲)؛ و در عهد قاجار به خصوص بعد از انقلاب مشروطه، مقام او مقامی غیررسمی شده و وظایفش به یک نیروی پلیس که بر اساس الگوهای غربی تشکیل شده بود و نیز به شهرداری منتقل شده و وظیفه او در خصوص گروه‌های قبیله‌ای به ارتش انتقال یافت (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۶۲).

پژوهش حاضر درصدد است با استفاده از اسناد و داده‌های کتاب‌خانه‌ای، ضمن اشاره به مناصب گوناگون داروغه، ساختار و عملکرد هریک از مناصب و جایگاه سیاسی و اجتماعی آن‌ها را در دوره صفویه بررسی کند.

۲. معنای لغوی داروغه

واژه داروغه از لغت ترکی - مغولی درو (drav) گرفته شده و به معنای «فشار دادن» و

«مهرکردن» است (همان: ۱۵۳). این واژه به صورت داروغا و داروغاء (نطنزی، ۱۳۳۶: ۲۱۹) نیز استعمال می‌شد. اما رایج‌ترین شکل استعمال آن در متون تاریخی و ادبی داروغه است. معنای این واژه، از نظر لغوی، از مفهوم حاکم نظامی یک منطقه (ایالت) و شهر، به‌عنوان حاکم شهر، به معنای «مدیر» و «رئیس» قسمت‌ها در دوره صفوی (شاردن، ۱۳۴۵: ۸/۱۷۸؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۳۶) تحول یافته است. از نظر اصطلاحی داروغه به‌طور کلی به حکام اطلاق می‌شد و در دوره صفوی به حاکم پایتخت و نیز به منشیان طراز اول در ادارات بزرگ دولتی که بر دیگر منشیان سمت سرپرستی و نظارت (همان) داشتند، داروغه گفته می‌شد؛ که از آن جمله داروغه دفترخانه و داروغه فراش‌خانه است. این تغییرات نشان‌دهنده دگرگونی‌هایی بود که در ساختار و عملکرد این منصب و افزایش منزلت اجتماعی، سیاسی، و اداری آن در دوره صفویه روی داد.

داروغه‌ها برای انجام‌دادن وظایف انتظامی و اداری خود مأمورانی داشتند که در متون تاریخی دوره صفویه از آنان با عناوین گوناگون «گزمه»، «عسس»، «احداث»، «میرشب»، «سلطان‌اللیل»، و «نایب داروغه» یاد شده است (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۰؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۸-۴۹).

۳. پیشینه کاربرد منصب داروغه

بر اساس روایت، یک منبع چینی به نام *افسانه نهمان* اشاره دارد که داروغه اولین بار با عنوان «داروغتسی» در دستگاه دیوانی مغولان به‌کار رفته است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۲/۹۶۵-۹۶۶). وظیفه او جمع‌آوری مالیات و نظارت بر نحوه اداره مناطق فتح‌شده به‌دست مغولان، از طرف خان بزرگ بود (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۵۳). این در حالی است که در هیچ‌یک از منابع فارسی دوره مغولان و ایلخانان به واژه داروغه اشاره نشده است و در آثار آنان بسیاری از اموری که بعداً به عهده متصدی داروغه بوده، جزو وظایف «شحنه» دانسته شده است. شحنه از دوران قبل از ایلخانان وجود داشت و یکی از مناصب مهم دستگاه دیوان‌سالاری سلسله‌های سلجوقی و خوارزمشاهی بود. کاربرد عنوان شحنه تا دوره تیموریان معادل داروغه بعدی رایج بود و بخشی از وظایفی را که بعداً به داروغه واگذار شد انجام می‌داد. در دوره مغول، شحنه، به‌عنوان نماینده حکومت، اداره امور سیاسی و اجرایی مناطق و نحوه وصول مالیات‌ها و عایدات دیگر را تحت نظارت داشت. این وظایف معادل وظایفی است که منبع چینی برای دارنده منصب داروغتسی ذکر کرده است.

بررسی متون تاریخی نشان می‌دهد واژه داروغه برای اولین بار در دوره تیموریان در منابع فارسی به جای شحنه مورد استفاده قرار گرفته است. تا این زمان منصبی که وظایف داروغه‌های بعدی را برعهده داشت با عنوان شحنه ذکر می‌شد. به نظر می‌رسد عبدالرزاق سمرقندی احتمالاً اولین نویسنده‌ای است که این واژه را به کار برده است و برای دارنده آن وظایفی را برمی‌شمارد که مورخان عهد ایلخانان در مورد شحنه ذکر کرده‌اند (سمرقندی، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۴۲). به تدریج بر این امور و قدرت داروغه افزوده شد و در دوره صفویه به اوج خود رسید.

۴. نصب و عزل داروغه

انتخاب داروغه‌ها در دوره صفویه به روش‌های متعدد صورت می‌گرفت. معمولاً حاکمان و گاهی وزیران ولایات و ایالات داروغه را انتخاب و انتصاب می‌کردند. یکی از سفرنامه‌نویسان دوره صفوی اشاره دارد:

خان نماینده‌ای به نام داروغه (قاضی محکمه جنایی) تعیین می‌کند و او شخصی به نام عسس را در زیر امر خود دارد که احکام صادره را به موقع به اجرا گذارد (جملی کاری، ۱۳۸۳: ۱۶۱).

در تذکره صفویه کرمان نیز اشارات بسیاری شده است که وزیر داروغه را انتخاب و منصوب می‌کرد. از جمله،

در غره شهر جمادی‌الاول ۱۰۸۰ ق که وزیر به شرف پای‌بوس وزارت کرمان سرافراز شده بود، و متعاقب اردوی کیهان‌پوی به بیلاقات اصفهان روانه شد، میرزا سعید برادر را به نیابت و عباس خان بیگ ولد میرزا آقا بیگ برادرزاده را به داروغگی بلده کرمان تعیین و روانه کرمان نمود (مشیزی (بردسیری)، ۱۳۶۹: ۶۶۱).

با آن که شماری از سفرنامه‌نویسان خارجی انتخاب داروغه را یک اختیار حاکم ولایت می‌دانند، اما در دوره صفویه انتصاب حکام، از هر درجه، حق پادشاه بود و همواره با صدور فرمان شاهانه عملی می‌شد. هرچند او گاه از این حق استفاده نمی‌کرد و آن را به یکی از صاحب‌منصبان تفویض می‌کرد (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۲۵۴؛ برن، ۱۳۴۹: ۳۷). اشاره شاردن در این باره موثق‌تر است:

شاه برای حکم‌رئانان در همه شهرها و جاهای معتبر ایالت، داروغه یا پلیس دژبانی تعیین

می‌کند، وی امور پلیس و مأموران مخصوص را سر و سامان می‌دهد و لقب بیگ و ارباب دارد و بر هر یک نظارت می‌کند (شاردن، ۱۳۴۵: ۸/ ۱۸۹).

به‌طور کلی می‌توان چنین بیان کرد که انتصاب داروغه در دوره صفویه از اختیارات شاه بود که عموماً این کار با صدور حکمی انجام می‌شد و گاه اختیار این امر به حاکمان ولایات تفویض می‌شد. اگرچه باید توجه داشت اطلاعات موجود در مورد انتخاب داروغه در معنای «رئیس پلیس شهر» است و در مورد انتصاب شماری از صاحب‌منصبان داروغه، مانند داروغه فراش‌خانه و داروغه دفترخانه اطلاعات مستقیمی در دست نیست.

در دوره صفویه شاه منصب داروغه را عموماً به افراد برجسته‌ای از گروه نظامی و دیوانی اعطا می‌کرد. گاه تمایل بر آن بود که داروغه‌ها از میان خانواده‌های منصوب به سی و دو قبیله قدرت‌مند در ساختار حکومت صفوی انتخاب شوند (بیات، ۱۳۳۸: ۶۸). به‌نظر می‌رسد اشارات مربوط به انتصاب افراد برجسته‌ای چون یک سید به مقام داروغگی اصفهان (سیدبیگ کمونه) ناظر به چنین موقعیتی باشد (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱/ ۳۵۹).

اطلاعات موجود حاکی از آن است که در نیمه اول حکومت صفوی گرایش بر آن بود که منصب داروغه بیش‌تر به قزلباشان واگذار شود (الحسینی، ۱۳۷۹: ۲۹)، اما پس از برآمدن گروه‌های رقیب قزلباشان در حکومت صفوی معادله به‌هم خورد. از دوره شاه عباس اول (۹۹۶-۱۰۳۸ق)، منصب بسیار مهم داروغگی اصفهان که حکم حاکم پایتخت را داشت به گرجیان واگذار شد و به‌تدریج در نزد آنان موروثی شد. آنان برای تصاحب این شغل باید مسلمان می‌بودند و تصدی این مقام بخش مهمی امور اساسی پایتخت را در اختیار آنان قرار می‌داد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۵۲؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۶۳). به‌نظر می‌رسد شاه عباس به‌منظور کاهش قدرت قزلباشان تصدی منصب داروغه اصفهان را از آنان گرفت و در اختیار گرجیان قرار داد. در سایر نقاط کشور در این دوران منصب داروغگی به افراد مختلف از لایه‌های مختلف داده می‌شد و متصدی داروغگی پایتخت بود که از دوره شاه عباس تحت تأثیر معادلات سیاسی با عنصر نژادی ارتباط یافت. در ایالات دیگر، افراد گوناگون اعم از گرجی، ایرانی، قزلباش، ترک، لر، و ... به منصب داروغگی انتخاب می‌شدند (مشیزی (بردسیری)، ۱۳۶۹: ۹۰، ۱۲۱، ۱۶۰).

اعطای منصب داروغگی به اشخاص غالباً در ازای خدمت درخشان، حسن سلوک و شایستگی، و گاه پاداش خوش‌خدمتی به شاهان که در نظر مقامات مورد پسند واقع می‌شد صورت می‌گرفت (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۲۱؛ عالم‌آرای شاه اسماعیل، ۱۳۴۹: ۱۴۹).

خدمات شایان در جنگ‌ها و نشان‌دادن لیاقت و شایستگی در میدان نبرد نیز یکی از عوامل مهم در اعطای منصب داروغگی بود. واله اصفهانی در گزارشی به انتخاب داروغه‌ها از طرف شاه عباس دوم (۱۰۵۲-۱۰۷۷ق) در جشن بهار ۱۰۵۵ق در ازای خدمات شایسته آن‌ها اشاره کرده است:

داروغگی دارالسلطنه قزوین و گیلان و بیه‌پس و دارالملک شیراز و دارالعباد یزد به گرجاسب بیگ یساولان صحبت برادر اوتار خان و صفی بیگ شیره‌چی‌باشی و باداده بیگ ارسطا و یوزباشی غلامان و امام وردی بیگ غلام شریفه به‌ازای خدمات شایسته و جان‌فشانی‌های بایسته که در آن هنگامه بوالعجب از هریک سمت بروز یافته بود، کرامت شد (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۴۲۰).

در مورد مدت زمان تصدی دارنده منصب داروغه و ارثی شدن آن قاعده مشخصی نبود. برخی از محققان به استناد سخن شاردن مدت زمان معمول مقام داروغگی در زمان صفویه را دو سال دانسته‌اند (لمبتون، ۱۳۶۳: ۱۵۵)، اگرچه نمی‌توان این نظر را با اطلاعات دقیق‌تر موثق کرد.

گاه منصب داروغه به‌صورت دائمی به شخص واگذار می‌شد و حتی به ارث می‌رسید. اشاره شده است شاهی بیگ خان در ازای خدمات محمود سلطان، داروغگی بخارا را به وی سپرد و وعده داد بخارا به وی و فرزندانش تعلق داشته باشد (عالم‌آرای صفوی، ۱۳۶۳: ۲۴۷). چنانچه متصدی منصب داروغه در دوره خدمتش مرتکب اعمال خلاف می‌شد یا زیردستان از وی شکایت می‌کردند و پس از رسیدگی به موضوع تقصیر او معلوم می‌شد، ممکن بود این موضوع به عزل وی منجر شود (منجم، ۱۳۶۶: ۳۹۸). گزارش‌ها حاکی از آن است که برخی از داروغه‌ها با قدرت تمام در مقام خود باقی بودند و با مرگ یا استعفای آنان این مقام با تأیید پادشاه به یکی از نزدیکانشان داده می‌شد. اشارات منابع دلالت بر آن دارد که این امر بیش‌تر در مورد منصب دیوانی داروغگی رایج بود. برای مثال بعد از فوت الهی بیگ، منصب داروغگی محاسبات خراسان به علیقلی خان پسرش مرجوع گشت و او به مشهد مقدس رفت و پس از مرگ وی منصب مذکور به یادگار بیگ برادر او مرجوع شد (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱۰۸۲/۲).

۵. انواع مناصب داروغه

در بسیاری از آثار دوره صفوی به‌صراحت اعلام شده که داروغه در زیردست «دیوان بیگی»

به اجرای نقش خود می‌پرداخت (میرزا سمیعاً، ۱۳۷۸: ۴۸). اما با کمی دقت در این متون می‌توان متوجه شد که آن‌ها بیش‌تر به وظایف قضایی داروغه نظر داشته‌اند و انواع دیگر مناصب داروغه را که با پسوند همراه است مبنای قضاوت قرار نداده‌اند. مثلاً داروغه دفترخانه که یکی از داروغه‌های مهم دوره صفوی است، هیچ ارتباطی با دیوان بیگی نداشته و در دفترخانه و زیردست مستوفی‌الممالک به فعالیت می‌پرداخته است (همان: ۱۳۶). بنابراین در طی دوره صفویه از انواع گوناگون منصب داروغه نام برده شده که وظایف و حقوق متفاوتی داشتند و هر یک در زیردست یکی از مناصب بالاتر فعالیت می‌کردند.

در کتاب *تذکره‌الملوک و دستورالملوک* که اختصاصاً درباره سازمان اداری دوره صفوی به نگارش درآمده‌اند و در اغلب متون تاریخی و سفرنامه‌ها، از سه نوع داروغه نام برده شده است: ۱. داروغه در مقام صاحب‌منصب انتظامی ولایات و ایالات؛ ۲. داروغه دفترخانه؛ و ۳. داروغه فراش‌خانه. اما افزون‌بر این موارد در منابع تاریخی این دوره از داروغه‌های دیگری نیز نام برده می‌شود که وظایف و تکالیف متفاوت از داروغه‌های مزبور برعهده داشتند، مانند: «داروغه بازار»، «داروغه ترکمانان»، «داروغه الوار بختیاری»، «داروغه محاسبات»، «داروغه مجوسیان»، «داروغه جلفا»، «داروغگی تمغاخانه»، «داروغگی قصاب‌خانه»، و «داروغگی صابون‌خانه».

بر این اساس، در ادامه، هرکدام از این مناصب و کارکرد آن‌ها بررسی می‌شود.

۱.۵ داروغه در مقام صاحب‌منصب انتظامی ولایات و ایالات

۱.۱.۵ داروغه

بیش‌ترین اشارات به انواع مناصب داروغه مربوط به صاحب‌منصب امور انتظامی دوره صفوی است که در سطح ایالات و ولایات فعالیت می‌کرد. داروغه که از طرف شاه یا حاکم ایالت و ولایت برگزیده می‌شد، زیر نظر دیوان بیگی و حاکم ایالت به فعالیت می‌پرداخت. وی از داروغه‌های دیگر قدرت و وظایف بیش‌تری داشت. گاه حکومت و داروغگی ایالتی به صورت توأمان در اختیار یک فرد قرار می‌گرفت. این امر نه تنها در ایالات و ولایات کوچک بلکه در شهر قزوین نیز که زمانی پایتخت صفویان بود، دیده می‌شد که حکومت و داروغگی با هم در اختیار یک نفر قرار داده می‌شد. این شهر یک حاکم داشت که داروغه شهر نیز محسوب می‌شد (افوشته‌ای نطنزی، ۱۳۵۰: ۵۴۴؛ سانسون، ۱۳۴۶: ۶۱). البته روال کلی این بود که برای هر شهری داروغه‌ای انتخاب

می شد تا در کنار حاکم، به وظایف خود که مکمل وظایف حاکم شهر بود، عمل کند. یکی از اصلی ترین وظیفه هر دو منصب برقراری نظم و امنیت در ناحیه تحت حکومتشان بود. داروغه از نظر اختیارات و مسئولیت‌ها، در مرتبه‌ای پایین تر از حاکم و تحت نظر وی، نظم و امنیت را در شهر و روستاهای اطراف برقرار می کرد. در مواقعی هم که حاکم ایالت را ترک می کرد، داروغه جانشین او می شد. گاهی اوقات نیز حاکمان به محل خدمت خود نمی رفتند بلکه کسی را در سمت داروغه از طرف خود به آن جا اعزام می کردند و خود در ایالت دیگری که حکومت آن جا را هم برعهده داشتند یا در پایتخت اسکان می گزیدند (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱/ ۵۳۰). مثلاً وقتی شهر یزد فتح شد و حکومت آن جا به حسین بیگ‌الله تفویض شد «آن جناب از قبل خود شعیب آقا را به داروغگی تعیین نمود، و روانه کرد» (روملو، ۱۳۸۴: ۲/ ۱۰۰۳؛ امینی هروی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). در این مواقع داروغه در مقام نائب حاکم جایگزین وی می شد و نقش و وظایف داروغگی را نیز ایفا می نمود.

گاه داروغه هم‌زمان با تصدی منصب داروغگی، شغل دیگری اعم از وزارت یا حکومت ناحیه دیگری را در دست داشت. برای مثال در گزارشی چنین آمده است «ایالت آن ولایت را به انضمام حکومت کنگرکنان [لنگرکنان] و داروغگی مغان به وی [کلبعلی بیگ قاجار] کرامت فرمود» (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۲۴۱). در گزارش دیگری، از وزارت و داروغگی هم‌زمان یک داروغه سخن می رود: «عوض بیگ وزیر و داروغه خطه لار بنا به کبر سن از شغل مذکور استعفا نمود. منصب مذکور به الله‌وردی بیگ ولد مشارالیه، که وزیر کسگر بود، عنایت شد» (همان: ۵۷۷).

در متون تاریخی دوره صفویه، وظایف گوناگونی برای منصب داروغه ذکر شده است. در مرور کلی وظایف مذکور در متون آن دوره باید عنایت داشت که شماری از آن موارد جزو وظایف سازمانی و همیشگی داروغه نبود بلکه بنا به شرایط خاص برعهده وی واگذار می شد. وظیفه اصلی داروغه در دو حوزه قضایی و انتظامی تعریف شده بود. وی زیر نظر حاکم شهر و دیوان بیگی (رئیس دادگستری امروز) به انجام دادن پاره‌ای از وظایفی که به امور قضایی و امنیتی شهر مربوط می شد می پرداخت و دیوان بیگی و حاکم را در وظایفشان کمک می کرد. مینورسکی در اشاره به وظایف داروغه اصفهان می آورد که: «داروغه اصفهان رئیس تأمینات محسوب می شد و تاحدودی صلاحیت قضاوت نیز داشت» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۵۳).

مهم‌ترین وظایف داروغه به شرح زیر گزارش شده است:

۱. ایجاد و حفظ نظم و امنیت در شهر و مناطق اطراف؛ از مهم‌ترین و اصلی‌ترین وظیفه داروغه‌ها بود. در گزارش رسمی دوره صفوی این وظیفه چنین وصف شده است:

شغل مشارالیه این که اصل شهر و خارج شهر را محافظت می‌نمود که احدی مرتکب و پیرامون خلاف حساب و ظلم و نزاعی نگردد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۹؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۸).

داروغه این کار را با کمک زیردستان و مأموران خود که از «سرکاران قورچی و غلام و آقایان و تفنگچی و توپچی» به خدمت می‌گرفت انجام می‌داد. او زیردستان خود را در چند دسته سازمان‌دهی می‌کرد و برای هر گروه شخصی را که «سردسته» نامیده می‌شد انتخاب می‌نمود. هریک از این گروه‌ها وظیفه داشتند یک محله یا قسمتی از شهر را، که داروغه تعیین می‌کرد، محافظت کنند تا کسی مرتکب اعمال خلاف و نامشروع نشود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۰؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۸).

هرچند وظیفه داروغه حفظ نظم و امنیت در تمام طول شبانه‌روز بود، اما در گزارش رسمی از وظایف وی در دوره صفوی بیش‌تر به عملکرد وی در طول شب اشاره شده است. داروغه اصفهان سه ساعت پس از غروب آفتاب، ساعتی بر در قیصریه می‌ایستاد، سپس با عده‌ای از مأموران خود به گردش در یکی از محلات شهر می‌پرداخت و محلات دیگر را به احداث (عسس - میرشب) و سایر مأموران خود می‌سپرد. آن‌ها وظیفه داشتند هر اتفاقی را که در شب رخ می‌داد روز بعد به داروغه گزارش دهند (همان: ۴۹).

۲. ممانعت از امور خلاف شرع؛ داروغه از کارهای خلاف شرع مانند فحشا، شراب‌خواری، و سایر امور نامشروع جلوگیری می‌کرد تا کسی مرتکب نشود (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۹؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۸).

نکته‌ای که در این‌جا باید بدان توجه داشت این‌که، برخی از وظایف داروغه با اعمال بعضی از مناصب دیگر به‌خصوص محتسب هم‌پوشانی داشت. این موضوع در گزارشی از سانسون در مورد داروغه بیش‌تر به چشم می‌خورد:

داروغه‌ها می‌توانند دماغ و گوشت و ماهیچه قصاب و نانوای متخلف را قطع کنند، در صورتی که پلیس یا قائم‌مقام او داروغه را متقاعد کرده باشد که قصاب یا نانوا گران‌فروشی کرده و یا در وزن گوشت و نان تقلب کرده است (سانسون، ۱۳۴۶: ۲۴۹).

هرچند موارد مذکور در گزارش فوق جزو وظایف محتسب بود، اما به نظر می‌رسد محدودشدن قدرت محتسب در دوره صفوی (فلور، ۱۳۸۸: ۸۵) و نبودن مرز مشخص میان وظایف و تکالیف مناصب گوناگون موجب شده داروغه گاه وظایف محتسب را نیز برعهده گیرد.

۳. تعیین مجازات برای افراد متخطی؛ «هرگاه شخصی مرتکب عمل خلاف می‌شد داروغه او را تنبیه می‌کرد یا به فراخور تقصیر و قدر استطاعت مجرم از او جریمه دریافت می‌نمود» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۹). داروغه حتی بنا بر تشخیص خود می‌توانست کسی را محکوم به اعدام کند یا این‌که با دریافت رشوه مجرمان را آزاد کند. این کار برای داروغه ثروت و حشمت زیادی فراهم می‌آورد (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۴۸؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۰۴؛ دوسرسو، ۱۳۶۴: ۶۱).

۴. ممانعت از سرقت و کشف سارق پس از وقوع سرقت؛ اگر در یکی از محلات شهر سرقتی به وقوع می‌پیوست، احداث زیردست داروغه بایستی مال مسروقه را کشف می‌کرد و بعد از برداشتن یک‌سوم آن، که طبق معمول حق او بود، دوسوم دیگر را با اطلاع دیوان بیگی و داروغه به صاحبش پس می‌داد. ولی اگر موفق به دست‌گیری دزد نمی‌شد، نخست مهلتی را برای یافتن دزد طلب می‌کرد، بعد از انقضای مهلت مذکور در صورت پیدانکردن دزد بایستی از عین‌المال خود جبران مافات می‌کرد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۱؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۹).

۵. کنترل رفت و آمد شهرنشینان در شب؛ داروغه و زیردستان او همه کسانی را که در ساعات غیر مجاز شب در بیرون به سر می‌بردند، مورد بازجویی قرار می‌دادند و آن‌ها را در صورت ارائه‌ندادن مجوز و دلیل قانع‌کننده، روانه زندان می‌کردند (تاورنیه، ۱۳۸۳: ۲۷۴).

۶. رسیدگی به دعاوی کوچک جنایی؛ به‌طور کلی، محکمه در ایران عهد صفوی به دو نوع تقسیم می‌شد. یکی محکمه مذهبی یا شرعی، که مسائل و مراعات مذهبی و مدنی مانند عقود، خرید و فروش، عقد ازدواج و طلاق، و نظایر آن‌ها را حل و فصل می‌نمود. ریاست آن بر عهده صدر بود و قاضی و شیخ‌الاسلام او را در اجرای امور یاری می‌کردند. دیگری محکمه حقوق عمومی یا عرف که عمدتاً به جرایم کیفری و جنایی از قبیل خیانت، تعدی، اختلاس، رشوه، ارتشاع، نزاع، قتل، سرقت، و نظایر این‌ها رسیدگی می‌کرد و ریاست آن را دیوان بیگی برعهده داشت که با کمک داروغه به اجرای آن در سراسر کشور می‌پرداخت. البته دیوان بیگی بیش‌تر به احداث اربعه که شامل ضرب و جرح بدنی،

کورکردن، تجاوز به ناموس، و قتل می‌شد رسیدگی می‌کرد و قضاوت در مورد سایر جرائم کوچک را به عهده داروغه محل، که زیر نظر او کار می‌کرد، می‌سپرد (فلور، ۱۳۸۸: ۱۷، ۱۰۳؛ کمپفر، ۱۳۶۰: ۹۹، ۱۲۴). بنا به گزارش منابع در ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه این روال چنین بود: «غیر احداث سبعه که در دیوان خاصه به مقتضای شریعت غرای محمدی غوررسی می‌شود، باقی قضایا به او [داروغه] رفع نماید» (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۲۷). داروغه هم‌چنین به دعاوی کم‌تر از دوازده تومان، که در شهر یا دهات رخ می‌داد، رسیدگی می‌کرد و بالاتر از آن را به دیوان بیگی گزارش می‌داد. دیوان بیگی می‌توانست در احکام و اعمالی که مربوط به داروغه بود دخالت کند، اما داروغه چنان حقی نسبت به دیوان بیگی نداشت (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۱؛ میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۴۸).

۷. مأمور اجرای احکام دیوان بیگی؛ داروغه مأمور اجرای احکام صادره از طرف دیوان بیگی نیز بود. این وظیفه برای او منافع زیادی دربر داشت (سانسون، ۱۳۶۶: ۲۰۹).

به‌نظر می‌رسد وی علاوه بر اجرای احکام صادره از سوی دیوان بیگی، اجرای احکام محاکم شرعی را نیز برعهده داشت. در تذکرةالملوک اشاره می‌شود: «و هر دعوائی که قاضی حکم شرعی آن را می‌نویسد دیوانیان اجرا و حق را به من له الحق می‌رسانند» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳) به‌نظر می‌رسد منظور از دیوانیان داروغه بوده باشد.

۸. مقابله با شورش و ناآرامی‌های شهری؛ در گزارشات تاریخی دوره صفوی به سرکوب و دفع شورش و درگیری در شهرهای مختلف ایران به‌دست داروغه‌ها اشارات زیادی شده است. مثلاً وقتی در ۱۰۴۱ ق شخصی به نام درویش رضا در شهر قزوین شورش کرد، داروغه قزوین آن را سرکوب کرد (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۹۹-۱۰۴). سرکوب قیام نقدی بیگ شاملو در آذربایجان نیز به‌دست داروغه فراش‌خانه صورت گرفت (همان: ۴۳). در بسیاری مواقع که رقابت‌ها بین حیدری‌ها و نعمتی‌ها به نزاع می‌انجامید، موضوع با دخالت مسلحانه داروغه شهر فیصله می‌یافت و از خونریزی و نزاع علنی جلوگیری می‌شد (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۳۸).

۹. استقبال از سفرای خارجی و تهیه وسایل آسایش آنان؛ استقبال از میهمانان داخلی و خارجی شاه و فراهم کردن وسایل مورد نیاز آنان از وظایف ایشیک‌آغاسی‌باشی و زیردستان او بود، ولی گاه این مأموریت بر عهده داروغه گذاشته می‌شد، البته داروغه به همراه سایر بزرگان در این‌گونه مراسم استقبال از سفرا و میهمانان شرکت می‌کرد (کرملی، ۱۳۸۳: ۱۷۳؛ گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی، ۱۳۵۷: ۵۰-۵۱).

۱۰. گذاردن سفارت از طرف شاه یا حاکم؛ گاه داروغه در جایگاه سفیر به سفارت کشوری دیگر یا نزد حاکم منطقه‌ای فرستاده می‌شد (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱/۴۴۳؛ حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۵۱)؛ مثلاً وقتی شاه عباس قندهار را فتح کرد، رقعته‌ای را که به خط خود نوشته بود، به دست میر ولی بیگ نام، داروغه شترخان، برای نورالدین محمد جهانگیر، فرستاد (فلسفی، ۱۳۷۱: ۴ و ۱۴۰۵/۵).
۱۱. جمع‌آوری مالیات؛ در برخی منابع اشاره شده است که اگر در شهری خان مستقر وجود نداشت، وظیفه جمع‌آوری و پرداخت مالیات بر عهده داروغه گذاشته می‌شد. از جمله این شهرها اصفهان بود:

در اوایل سال نو و نوروز هر خان می‌بایستی هدایای ذی‌قیمتی را که شامل پول و جواهرات می‌شد، به شاه تقدیم کند ولی عده‌ای دیگر از ایالات و شهرها که خان ندارند و سرباز هم نگه‌داری نمی‌کنند، مانند اصفهان می‌بایستی مالیات اضافی را به خان بدهند. امور این شهرها در دست داروغه است که خود او هم مسئول پرداخت مالیات می‌باشد (اولناریوس، ۱۳۶۹: ۲/۷۴۱).

۱۲. شرکت در مجالس مشورتی دربار در مواقع ضروری؛ داروغه شهرهایی چون اصفهان به علت اطلاع از احوال شهر گاه طرف مشورت شاهان صفوی قرار می‌گرفت. گزارش منابع حاکی از آن است که در دوره شاه صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ق) که بر احوال ممالک چندان مطلع نبود چند نفر از معتمدان درگاه مثل عیسی خان قورچی‌باشی، خلیفه سلطان اعتمادالدوله، زینل خان، رستم خان (خسرو میرزا داروغه)، و ابوالقاسم بیگ در باب مسائل حکومت و نحوه تدبیر مملکت به وی مشورت می‌دادند (خواجگی اصفهانی، ۱۳۶۸: ۲۹۱).

۱۳. مرزداری و شرکت در جنگ؛ بنا به گزارشات، گاه داروغه مانند یک فرمانده جنگی در امور نظامی و لشکرکشی شرکت می‌جست یا هم‌چون حاکم یک ناحیه مرزداری آن منطقه را برعهده می‌گرفت (همان: ۱۱۵).

۱۴. اداره امور زندان‌ها؛ در برخی از منابع دوره صفوی اداره امور زندان‌ها نیز از وظایف داروغه برشمرده شده است (سانسون، ۱۳۴۶: ۲۰۹).

داروغه در انظار عامه: در مورد اهمیت، جایگاه، و تصویر صاحب‌منصبان داروغه در نزد پادشاهان صفوی و عامه مردم گزارشات متفاوتی در منابع دیده می‌شود. یکی از سیاحان معروف دوره صفوی کار داروغه را بسیار پست تلقی کرده و چنین می‌گوید که:

همه از داروغه متفرند، حتی اگر یک شاهزاده گرجی باشد؛ داروغه اصفهان نه تنها در میهمانی‌های شاه محلی ندارد بلکه در میهمانی‌های خوانین و امرای بزرگ نیز حضور به هم نمی‌رساند زیرا به هر حال به او به چشم دژخیم و زندان‌بان می‌نگرند (همان: ۶۱).

در حالی که سیاح دیگری داروغه اصفهان را فردی مهم و برجسته معرفی کرده که در شورای عالی و دربار حضور داشت (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۰۴). در گزارش‌های رسمی وی را با عنوان مقرب‌الحضرة ذکر کرده و از جمله مقربان دانسته که «در مجلس بهشت‌آیین با تاج و طومار در وسط مجلس مابین کارخانه آقاسی‌ها و یساولان صحبت می‌ایستاد» (میرزافیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

در خصوص اهمیت و جایگاه داروغه‌های سایر ولایات نیز می‌توان به محتوای سندی که در آن علی خلیفه الحی به داروغگی شیراز و توابع آن برگزیده شده است استناد کرد. در این سند از سادات، علما، قضات، کلانتران، کدخدایان، اعیان، صواحب، عامه رعایا، و متوطنان دارالملک مذکور خواسته شده که:

خلیفه مزبور را داروغه مطلق‌العنان دانسته لوازم موافقت و مراسم متابعت بجا آورند و به جار و طلب او حاضر شوند، از سخن و صلاح خانی او بیرون نروند و هر قضیه و حادثه که میانه ایشان روی نماید، بر او باز نمایند تا از کمال معدلت غوررسی نموده، جریمه برحسب گناه بازیافت نماید (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۰۰).

وظایف داروغه در برابر عامه: در مقابل اطاعت همه رعایا از داروغه، وظایفی نیز به عهده وی گذاشته می‌شد.

وظیفه خلیفه [یکی از داروغه‌های دوره صفوی] آن که حسن سلوک خود را بر عالمیان ظاهر ساخته از قاعده صواب و جاده حساب و محافظت رعیت و محارست ملک به هیچ وجه تجاوز نکند و نگذارد که بر چهره احدی گرد تعدی نشسته و آثار شکر خلاق، که ودایع حضرت خالق‌اند، ظاهر و متظاهر گرداند، در این باب قدغن لازم دانند (همان).

دیوان بیگی شکایت علیه داروغه را رسیدگی می‌کرد. مثلاً اگر کسی در زندان داروغه یا عسس فوت می‌کرد به دیوان بیگی اعلام می‌شد، او نیز غسل‌باشی را مأمور بررسی جنازه می‌کرد؛ چنانچه مرگ بر اساس گزارش غسل‌باشی عمدی نبود از او نوشته‌ای جهت دفن دریافت می‌نمودند و اگر اثر ضرب داشت، دیوان بیگی به موضوع رسیدگی می‌کرد و اگر مشخص می‌شد که بی‌جهت مقتول شده، به عرض شاه می‌رساند و او

داروغه را بازخواست می‌کرد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۰). برخی مواقع نیز عامه خودشان شورش کرده و داروغه و ملازمانش را مورد حمله قرار می‌دادند (منجم، ۱۳۶۶: ۲۶۸). حقوق و مزایای داروغه: بنا به گفته میرزا سمیعا: «داروغه اصفهان [را] رسوم به‌عنوان مختلف از سیصد تومان تا پانصد تومان می‌شد» (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۵۸) و با روش خاصی بازیافت می‌شد. بدین صورت که، یک نفر از طرف کلاتر و شخص دیگری از سوی وزیر تعیین می‌شد و وجوه جرائمی را که داروغه در طول یک سال به‌دست آورده، محاسبه می‌کردند؛ اگر معادل سیصد تومان شده بود «فهوالمطلوب، اگر کسری داشت، وجه منکسر را عمال اصفهان داخل طومار صادر مملکت آن سال نموده به داروغه از دفتر جزو اصفهان در تحت مالیات تنخواه می‌دادند و اگر زاید بر وجه مزبور به‌عمل آمده بود به اسم او ابواب جمع تنخواه ابواب حوالات دیوانی می‌نمودند» (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۱).

از گزارشات تاریخی چنین مستفاد می‌شود که علاوه بر شیوه مذکور که احتمالاً بیش‌تر در پایتخت رایج بوده و اساس قضاوت میرزا رفیعا قرار گرفته، در سایر ایالات مبلغی با عنوان «داروغگی» یا «رسوم داروغگی» نیز از سوی داروغه‌ها گرفته می‌شد (مشیزی بردسیری)، ۱۳۶۹: ۳۴۸؛ نوایی، ۱۳۴۷: ۱۰۲؛ لمبتون، ۱۳۴۵: ۲۰۹؛ بوسه، ۱۳۶۷: ۱۷۸). هم‌چنین در جای دیگری از اجاره منصب داروغگی سخن گفته شده است (بوسه، ۱۳۶۷: ۵۲۹) که بدین معنی است در دوره صفویه نیز، هم‌چون عهد قاجار، برخی از مشاغل به اجاره داده می‌شد.

۲.۱.۵ داروغه بازار

در تاریخ عالم آرای عباسی و احسن‌التواریخ از داروغه بازار در شهر قزوین یاد شده است. اگرچه از وجود چنین منصبی در سایر ایالات و ولایات ایران عهد صفوی اطلاعاتی در دست نیست، اما به‌نظر می‌رسد به‌علت اهمیت بازارها در زندگی شهری و لزوم برقراری و حفظ نظم و امنیت مؤثر در آنها وجود داروغه در آنها اجتناب‌ناپذیر بوده است. گزارش اسکندر بیگ در مورد داروغه بازار قزوین حاوی جزئیاتی است که پرتویی بر وظایف این صاحب‌منصب می‌افکند. وی اشاره دارد در جریان دعوایی که بین اطرافیان و عبدالغنی بیگ استاجلو (داروغه قزوین) بر سر خرید و فروخت گوسفندی واقع شد، صوفیان داروغه بازار و سایر ملازمان او را زدند. چون افراد داروغه از پس آن برنیامدند، وی خود با ملازمانش سوار شد و به میدان رفت اما مغلوب شد. درنهایت اسماعیل میرزا به امرا دستور داد آن طبقه را قتل عام کنند (ترکمان، ۱۳۸۳: ۲۰۸/۱). از گزارش فوق استنباط می‌شود که داروغه بازار

زیر نظر داروغه فعالیت داشت و به نظم و امنیت در بازار رسیدگی می‌کرد و چنانچه در برقراری امنیت ناتوان می‌بود و بازاریان از او فرمان نمی‌بردند، به داروغه شهر متوسل می‌شد. در مورد نحوه انتخاب، حقوق، وظایف، و مسائل دیگر مربوط به این منصب اطلاعات زیادی در متون تاریخی این دوره در دست نیست.

۳.۱.۵ داروغگان ایلات و طوایف

در دوره صفوی، از داروغه‌هایی که در جایگاه مسئول امور انتظامی و اداری طوایف و قبایل مختلف گمارده می‌شدند اطلاعاتی در دست است. از جمله اشاره شده که داروغه ترکمانان و داروغه الوار بختیاری در این دوره وجود داشته است. منشی قمی در این زمینه اشاره دارد که: «شاطر بیگ از طرف شاهوردی بیگ کچل، حاکم گرگان، داروغگی ترکمانان را داشت» (منشی قمی، ۱۳۸۳: ۱/۳۴۶). در گزارش دیگری نیز به داروغه الوار بختیاری اشاره شده است (واله اصفهانی، ۱۳۸۰: ۳۳۴، ۴۰۸). اما در گزارش‌های مزبور و منابع دیگر اطلاعات بیش‌تری در این مورد در دست نیست. اطلاعات موجود تنها به انتصاب یا عزل داروغه یکی از قبایل دلالت دارد.

۴.۱.۵ داروغه مجوسیان

در دوره صفویه، از منصب «داروغه مجوسیان» و مالیاتی به نام «داروغگی مجوسیان» که از زرتشتیان گرفته می‌شد اطلاعاتی در دست است. مالیات داروغگی غیر از وجوه جزیه‌المجوس بود که از زرتشتیان اخذ می‌شد. گاه شخصی این وجوه را اجاره می‌کرد مثلاً «میرزا ابوالحسن، کلانتر کرمان وجوه جزیه‌المجوس و داروغگی مجوسیان کرمان را به اضافه ده یازده بر اجاره مستوفی نیز اجاره کرد» (مشیزی (بردسیری)، ۱۳۶۹: ۵۲۹).

نکته دیگری که در مورد داروغه مجوسیان باید به آن اشاره کرد این‌که، دارنده این شغل کلانتر ولایت نیز بوده است. به عبارت دیگر، در مناطقی که زرتشتیان حضور داشتند کلانتر ولایت داروغگی مجوسیان را هم برعهده داشته است. اما در مورد این‌که این شخص از بین مسلمانان یا زرتشتیان انتخاب می‌شد و دارای چه وظایف و اختیاراتی بود، منابع سکوت کرده‌اند. یگانه اطلاعاتی که از منابع استنباط می‌شود این است که داروغه مجوسیان به اداره امور مربوط به زرتشتیان رسیدگی می‌کرد و رابط بین آن‌ها و حکومت مرکزی بود و جزیه و داروغگی آن‌ها را جمع‌آوری کرده و به حکومت تحویل می‌داد (همان: ۳۶۰-۳۶۱، ۵۷۵-۵۷۶).

۵.۱.۵ داروغه جلفا

نگارنده به‌رغم جست‌وجوی فراوانی که در منابع دوره صفوی انجام داد، نشانه‌ای از وجود داروغه یهودیان و داروغه مسیحیان در دوره صفوی به‌دست نیاورد. بر اساس آنچه از اسناد ماتنه‌داران مستفاد می‌شود، در این دوره امور مربوط به مسیحیان را خلیفه‌ای انجام می‌داد که از طرف دولت مرکزی انتخاب می‌شد. وی رابط بین مسیحیان، اعم از ارمنی و غیره و حکومت مرکزی بود. از طرف حکومت مرکزی به جمع‌آوری مالیات مسیحیان می‌پرداخت و در مقابل، از آن‌ها در برابر عواملان حکومتی حمایت می‌کرد و از ظلم و ستم آنان در نزد شاهان صفوی شکایت می‌کرد. اسناد مذکور مملو از احکامی است که در آن‌ها پادشاهان صفوی از حکام، داروغگان، کلانتران، و دیگر عواملان حکومتی خواسته‌اند که متعرض مسیحیان نشوند و بگذارند آن‌ها به همان سبک و سیاقی که قبلاً عمل می‌کردند رفتار کنند (فرامین فارسی ماتنه‌داران، ۲۰۰۸: ۱/۲۵۸، ۲۷۰، ۴۴۸، ۴۷۰، ۴۸۷).

البته در اثری مربوط به یکی از ارمنیان تازه‌مسلمان شده از منصب داروغه جلفا یاد شده است (اعتراف‌نامه، ۱۳۸۸: ۱۱۵). که منظور همان جلفای اصفهان است. شخص مذکور مأمور رسیدگی به امور ارمنیان جلفای اصفهان بوده و غیر از داروغه‌ای بوده است که به کل اصفهان رسیدگی می‌کرد. این شخص برخلاف کلانتر ارامنه جلفای اصفهان که از میان خود ارمنیان انتخاب می‌شد ایرانی و مسلمان بوده و از طرف شاه تعیین می‌شده است (بوسه، ۱۳۶۷: ۲۱۸).

۲.۵ داروغه در مقام صاحب‌منصب اداری

۱.۲.۵ داروغه دفترخانه

داروغه دفترخانه از مناصب مهم دوره صفویه بود که وظایف و عملکرد وی با داروغه‌های نوع اول تفاوت‌های اساسی داشت. داروغه دفترخانه فقط در پایتخت مستقر بود و فقط به یک صاحب‌منصب اطلاق می‌شد. وظایف وی در حوزه امور اداری و دیوانی محدود می‌شد و زیر نظر مستوفی‌الممالک فعالیت می‌کرد (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۱۳۶).

در مورد نحوه انتخاب داروغه دفترخانه، مدت زمان خدمت او، افراد مستعد برای فعالیت در این شغل، و تغییر و تحولات آن مطالب چندانی در منابع دوره صفویه یافت نمی‌شود. فقط در تذکره‌الملوک و دستورالملوک پاره‌ای اشارات در مورد وظایف، حقوق، و

اختیارات آن وجود دارد. در بعضی منابع دیگر تاریخی نیز به صورت جزئی و پراکنده، نکاتی در مورد داروغه دفترخانه یافت می شود. اطلاعات موجود حکایت از آن دارد که داروغه دفترخانه یکی از مناصب مهم اداری و دیوان سالاری عهد صفوی بود و با لقب مقرب الحضرة در مجلس شاه با تاج و طومار بعد از مستوفی غلام طرف چپ می نشست (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۷). وی در دفترخانه و زیر نظر مستوفی الممالک کار می کرد و وظایف زیر را برعهده داشت:

۱. برقراری نظم و نسق دفترخانه و تنبیه عزیان و سایر کارکنان با داروغه دفترخانه بود (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۲۶؛ نصیری، ۱۳۷۱: ۵۳).
۲. مهمور نمودن دستورات و رقم ها؛ وی همه دستورات و رقم ها را که درباره انتصابات، تنخواه، تیول ها، همه ساله ها، و ارقام به کارگیری همه سربازان و ارقام اصلی و فرامین بود مهر می زد (همان؛ میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۶؛ بوسه، ۱۳۶۷: ۱۳۸، ۱۵۴).
۳. رسیدگی به اختلافات کارکنان دفترخانه؛ همه کارکنان دفترخانه زیر دست داروغه دفترخانه محسوب می شدند و در صورت بروز اختلاف بین آنها، به وی مراجعه می کردند تا اختلاف آنها را حل و فصل کند (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۲۶؛ نصیری، ۱۳۷۱: ۵۳).
۴. ایجاد وحدت و هماهنگی در بین کارکنان دفترخانه؛ داروغه دفترخانه موظف بود شرایط همکاری بین کارمندان هر شعبه و هم چنین نویسندگان و کارمندان آن جا را فراهم کند (کمپفر، ۱۳۶۰: ۱۱۱).
۵. رسیدگی به امور مالیات ها و یادآوری دیون بدهکاران؛ داروغه دفترخانه مراقب بود که مالیات ها وصول شود و به بدهکاران سهل انگار ادای دیون آنها یادآوری شود. وی در صورت لزوم به اعمال زور نیز متوسل می شد (همان).
۶. تصدیق و تأیید عزل و نصب کارکنان دفترخانه؛ عزل و نصب کارکنان دفترخانه به تصدیق داروغه دفترخانه و ناظر دفترخانه و تجویز عالی جاه مستوفی الممالک انجام می شد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۴۷).
۷. آوردن عمال دیوانی به پای حساب؛ داروغه دفترخانه عمال دیوانی از وزرا، مستأجران، ضابطان، متصدیان، و مباشران مالیات دیوانی را به پای حساب می آورد تا مقرب الحضرة ناظر دفترخانه به حساب آنان رسیدگی کند (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۳۸).
۸. حل و فصل اختلافات مرزی؛ داروغه دفترخانه نیز مانند داروغه گاه در جایگاه فردی برای حل و فصل اختلافات مرزی، فیما بین ایران و دول خارجی، به کار گرفته

می‌شد. چنان‌که بسطام آقا ترکمان، داروغه دفترخانه که ریش سفید و باهوش و کارداران بود، به همراه شخصی به نام حسین خان چاوشلو برای تعیین سرحد مرزی در منطقه آذربایجان بین ایران و عثمانی اعزام گردید (حسینی استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۵۱؛ ترکمان، ۱۳۸۳: ۱/۴۴۳).

۹. فیصله‌دادن به ناآرامی‌ها و بی‌نظمی‌ها در ولایات؛ داروغه دفترخانه گاه برای رسیدگی به مسائل و مشکلاتی که در بعضی ایالات و ولایات بروز می‌کرد اعزام می‌شد. چنان‌که بسطام آقا ترکمان، داروغه دفترخانه، به همراه اعتمادالدوله، مستوفیان، و ارباب قلم به گیلان فرستاده شد تا مال و حقوق دیوانی آن ولایت را موافق قانون عدالت تنظیم کند و بر بی‌نظمی‌های آن پایان دهد (همان: ۴۵۹-۴۶۰).

حقوق و مزایای داروغه دفترخانه: در دوره صفویه داروغه دفترخانه مبلغ پنجاه و هفت تومان و هشت هزار و کسری مواجب و تیول داشته و در زمان شاه سلطان حسین تیول «بسطام آقا»^۱ که برآوردی آن قریب به دویست تومان می‌شد در وجه او مقرر شد. و مبلغ هفتاد و سه تومان و هفت هزار و چهارصد و سی دینار رسوم محلی، از قرار تومانی به شرح زیر رسوم داشته: از اجارات پنج و نیم دینار؛ از تنخواه امرا دو نیم دینار؛ از تیول امرا هفت و نیم دینار؛ از همه‌ساله امرا پنج دینار و از انعام امرا و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و غیره پانزده دینار (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۵۸-۵۹). نویسنده کتاب *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه* کل مداخل سالیانه داروغه دفترخانه را یک هزار تومان دانسته؛ این مبلغ برابر حقوق ناظر دفترخانه و یک پنجم حقوق مستوفی‌الممالک بوده است (نصیری، ۱۳۷۱: ۵۳). داروغه دفترخانه برخلاف داروغه از زمان شاه سلطان حسین مقداری از حقوقش را به صورت تیول دریافت می‌کرد. این شیوه در مورد برخی از مناصب دیگر دوره صفوی نیز اجرا می‌شد چنان‌که ولایات کازرون، ابرقوه، گلپایگان، و شفت به ترتیب تیول قورچی‌باشی، تفنگچی آقاسی، قوللر آقاسی، و توپچی‌باشی بود (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۵۳).

۲.۲.۵ داروغه فراش‌خانه

داروغه فراش‌خانه نیز مانند داروغه دفترخانه تنها در پایتخت صفوی (اصفهان) حضور داشت و در واقع در کشور فقط یک متصدی برای چنین منصبی گماشته می‌شد. فراشان کسانی بودند که فرش پهن می‌کردند و چادر می‌افراشتند و در قصر شاهی خدمت می‌کردند. داروغه فراش‌خانه گویا تصدی امر کارگزینی و استخدامی آن‌ها را برعهده

داشت (همان: ۱۲۸). وی نیز مانند سایر داروغه‌ها علاوه بر شغل اختصاصی خود وظایف و تکالیف دیگری را برعهده داشت که در زیر به مهم‌ترین آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. حضور در مجالس خاص و عام پادشاه؛ داروغه فراش‌خانه لقب مقرب‌الحضره داشت و در سفر و حضر در مجلس پادشاه با تاج و طومار می‌ایستاد (میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

۲. تحویل هدایای عامه به پادشاه؛ وی تحفه و پیش‌کشی را که دیگران به مجلس می‌آوردند به دست می‌گرفت و می‌برد و در خدمت پادشاه بر زمین می‌گذاشت (همان: ۲۵۱).

۳. حضور در میدان جنگ؛ داروغه فراش‌خانه گاه در میدان جنگ نیز حاضر می‌شد، چنان‌که سارو شیخ، داروغه فراش‌خانه در جنگ شاه اسماعیل و شیروان شاه فرخ یسار در میدان نبرد حضور داشت (امینی هروی، ۱۳۸۳: ۱۳۲).

۴. محافظت از مرزها؛ در گزارشات تاریخی دوره صفوی به محافظت مرزها به دست داروغه فراش‌خانه اشارات زیادی شده است. مثلاً نقدی بیگ داروغه فراش‌خانه به محافظت از ثغور دارالسلطنه تبریز گماشته شده بود (خواجه اصفهانی، ۱۳۶۸: ۱۱۵).

درواقع، داروغه فراش‌خانه نیز مانند دارندگان برخی از مشاغل، توأمان در حوزه‌های دیگری به کار گرفته می‌شد و به‌قولی کثیرالمشاغل بود (برن، ۱۳۴۹: ۴۲-۴۴). این یکی از ویژگی‌های حکومت صفویان بود؛ چون آن‌ها هیچ تعریف روشنی از مناصب اداری، نظامی، و مذهبی نداشتند. چنان‌که در اوایل دوره صفویه، به‌علت تسلط قزلباشان و ماهیت نظامی حکومت، نظامیان در امور دیوانی نیز دخالت می‌کردند و بعداً در دوره‌ای که شاه عباس قدرت قزلباشان را درهم شکست، قدرت تشکیلات دیوانی افزایش یافته و در امور لشکری دخالت کردند (سیوری، ۱۳۸۴: ۱۱۲-۱۱۳؛ تاریخ ایران (دوره صفویان)، ۱۳۸۰: ۱۶۷، ۱۷۶-۱۷۹). از این‌رو برخی از مورخان و سفرنامه‌نویسان نمی‌توانستند بین وظایف اصلی و دائمی و مأموریت‌های اتفاقی آن‌ها تمیز دهند، گاه در توضیح این مناصب دچار اشتباه یا تناقض‌گویی می‌شدند.

حقوق و مزایای داروغه فراش‌خانه: داروغه فراش‌خانه مبلغ ده تومان و سه هزار و هفتصد و شصت دینار^۲ تیول و نود و پنج تومان و کسری از خیاطان و نقاشان و اصناف دیگر رسوم داشت (میرزا سمیعا، ۱۳۷۸: ۵۹). این مبلغ در مقایسه با دیگر صاحب‌منصبان تقریباً کم بود.

۳.۲.۵ داروغه محاسبات

از داروغه محاسبات نیز فقط در کتاب *تاریخ عالم آرای عباسی* نام برده شده است. وی نیز در مورد این منصب هیچ توضیح خاصی نداده و فقط یکبار به انتصاب او اشاره کرده است (ترکمان، ۱۳۸۳: ۱۰۸۲/۲).

۴.۲.۵ داروغگی تمغاخانه، قصابخانه، و صابونخانه

از این مناصب نیز فقط یکبار در کتاب *شرفنامه* نام برده شده و در آن به اعطای این مناصب به شخصی سخن گفته شده است (لاری شیرازی، ۱۳۸۹: ۳۲۸) نگارنده در جای دیگری از این کتاب و سایر آثار دوره صفوی چنین عناوینی را ندیده است.

۶. نتیجه گیری

نتیجه این تحقیق نشان می دهد داروغه و دیگر صاحب منصبانی هم چون داروغه دفترخانه، داروغه فراش خانه، و ... به رغم تعلق به مناصب میانی، نقش بسیار مهمی در امور انتظامی و تأمین امنیت جامعه عصر صفوی و امور قضایی آن برعهده داشتند و با توجه به فقدان مرز رسمی در بین مناصب و مشاغل و تغییر و تحولات قدرت گاه به عنوان سفیر، مشاور، جمع کننده مالیات، سرکوب کننده شورش ها، و ... در هر دو حوزه کشوری و لشکری و غیر آن، به ایفای نقش می پرداختند و این تکرر و تنوع وظایف جایگاه سیاسی و اجتماعی بالایی را برای آنان رقم می زد. هر چند این منصب مربوط به دوره قبل از صفویه است ولی در این زمان به اوج قدرت خود رسیده است. با افول قدرت صفویان از اهمیت داروغه نیز کاسته شد، تا جایی که در اواخر قاجار قدرت خود را به نفع مناصب دیگری هم چون کلانتر از دست داد.

پی نوشت

۱. در *دستورالملوک تیول بسطام آقا داروغه دفترخانه* به زمان گیتی ستان؛ اما در *تذکرهالملوک*، تیول بسطام آقا به زمان شاه سلطان حسین دانسته شده است. به نظر می رسد که اشتباهی رخ داده است چون عنوان گیتی ستان، لقب ژس از مرگ شاه عباس بوده و بسطام آقای ترکمان هم عصر او بوده است.
۲. در کتاب *دستورالملوک مبلغ ده تومان و هفت هزار و پانصد و شصت تومان* ذکر شده است (← میرزا رفیعا، ۱۳۸۵: ۲۵۲).

منابع

- اعتراف‌نامه: روزنامه خاطرات ابگر (علی‌اکبر) ارمنی از جدیدالاسلامان عهد شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی همراه با رساله شناخت به خط گرجی در اثبات تشیع از جدیدالاسلامی گرجی از روزگار شاه عباس صفوی (۱۳۸۸). پژوهش، تصحیح و توضیحات منصور صفت گل، تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- افوشته‌ای نظری، محمود بن هدایت‌الله (۱۳۵۰). *تقاوة الاثار فی ذکر الاخبار*، به اهتمام احسان اشراقی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- امینی هروی، امیر صدرالدین سلطان ابراهیم (۱۳۸۳). *فتوحات شاهمی، تاریخ صفوی از آغاز تا سال ۹۲۰ ق*، تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- اولثاریوس، آدام (۱۳۶۹). *سفرنامه اولثاریوس، اصفهان خونین شاه صفی*، ترجمه حسین کردبچه، ج ۲، تهران: کتاب برای همه.
- بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۶۶). *ترکستان نامه: ترکستان در عهد هجوم مغول*، ترجمه کریم کشاورز، ج ۲، تهران: آگاه.
- برن، رهر (۱۳۴۹). *نظام ایالات در دوره صفویه*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بوسه، هریرت (۱۳۶۷). *پژوهشی در تشکیلات دیوان اسلامی: بر مبنای اسناد دوران آق‌قویونلو و قراقویونلو و صفوی*، ترجمه غلامرضا وهرام، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- بیات، اروج بیگ (۱۳۳۸). *دو ن ژوان ایرانی*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- تاریخ ایران (دوره صفویان) (۱۳۸۰). پژوهش در دانشگاه کمبریج، ترجمه یعقوب آژند، تهران: جامی.
- تاورنیه، ژان باتیست (۱۳۸۳). *سفرنامه تاورنیه*، ترجمه حمید اربابی شیرانی، تهران: نیلوفر.
- ترکمان، اسکندریگ (۱۳۸۳). *تاریخ عالم آرای عباسی*، زیر نظر با تنظیم فهرست‌ها و مقدمه ایرج افشار، ج ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.
- جملی کارری، جوانی فرانچسکو (۱۳۸۳). *سفرنامه کارری*، ترجمه عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، تهران: علمی و فرهنگی.
- حافظ ابرو (۱۳۷۲). *زبدة التواریخ*، تصحیح کمال حاج سید جوادی، تهران: نشر نی و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حسینی استرآبادی، سیدحسن بن مرتضی (۱۳۶۴). *تاریخ سلطانی از شیخ صفی تا شاه صفی*، به کوشش احسان اشراقی، تهران: علمی.
- الحسینی، خورشاه بن قباد (۱۳۷۹). *تاریخ ایلیچی نظام شاه*، تصحیح و تحشیه و اضافات محمدرضا نصیری، کوئچی هانه‌دا، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- خواجهگی اصفهانی، محمد بن معصوم (۱۳۶۸). *خلاصة السیر: تاریخ روزگار شاه صفی صفوی*، تهران: علمی.
- دوسرسو، ژان آنتوان (۱۳۶۴). *سقوط شاه سلطان حسین*، ترجمه ولی‌الله شادان، تهران: کتاب‌سرا.

- روملو، حسن بیگ (۱۳۸۴). *احسن التواریخ*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۲، تهران: اساطیر.
- سانسون (۱۳۴۶). *سفرنامه سانسون*، اوضاع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران، به اهتمام و ترجمه تقی تفضلی، تهران: بی‌نا.
- سمرقندی، کمال‌الدین عبدالرزاق بن اسحاق (۱۳۸۳). *مطلع سعدین و مجمع بحرین*، به اهتمام عبدالحسین نوایی، ج ۱، دفتر دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سیوری، راجر (۱۳۸۴). *تحقیقاتی در تاریخ ایران عصر صفوی*، ترجمه محمدباقر آرام، تهران: امیرکبیر.
- شاردن، ژان (۱۳۴۵). *سیاحت‌نامه شاردن: با حواشی و تعلیقات و توضیحات لغوی و تاریخی و فرهنگ اصطلاحات و فهارس اعلام و تصاویر عتیق و باستانی*، ترجمه محمد عباسی، ج ۸: سازمان نظامی، سیاسی و مدنی ایران، تهران: امیرکبیر.
- عالم‌آرای شاه اسماعیل (۱۳۴۹). *با مقدمه و تصحیح و تعلیق اصغر منتظر صاحب*، تهران: بنگاه ترجمه و کتاب.
- عالم‌آرای صفوی (۱۳۶۳). *به کوشش یدالله شکری*، تهران: اطلاعات.
- فرامین فارسی ماتنه‌داران، (2008). ج ۱، Persian Document Of The Matenedaran, by K.P.Kostian, Yerevan, nairi,.
- فلسفی، نصرالله (۱۳۷۱). *زندگی شاه عباس اول*، ج ۴ و ۵، تهران: علمی.
- فلور، ویلم (۱۳۸۸). *نظام قضایی عصر صفوی*، ترجمه حسن زندیه، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- کرملی، پادریان (۱۳۸۳). *اسناد پادریان کرملی، بازمانده از عصر شاه عباس صفوی*، به کوشش منوچهر ستوده، با همکاری ایرج افشار، تهران: میراث مکتوب.
- کمپفر، انگلبرت (۱۳۶۰). *سفرنامه کمپفر*، ترجمه کیکاووس جهاننداری، تهران: خوارزمی.
- گزارش سفیر کشور پرتغال در دربار شاه سلطان حسین صفوی (۱۳۵۷). *ترجمه از زبان پرتغالی و حواشی از ژان اوین*، ترجمه پروین حکمت، تهران: دانشگاه تهران.
- لاری شیرازی، روح‌الله (۱۳۸۹). *شرف‌نامه، مکاتبات دیوانی ایالت فارس و لارستان در دوره صفویه*، تصحیح و تحقیق محمدباقر وثوقی، با همکاری خدیجه عالمی و منوچهر ایزدینا، تهران: کتاب‌خانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- لمبتون، آن.ک.س (۱۳۴۵). *مالک و زارع در ایران*، ترجمه منوچهر امیری، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لمبتون، آن.ک.س (۱۳۶۳). *سیری در تاریخ اجتماعی ایران بعد از اسلام*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- مشیزی (بردسیری)، میرمحمدسعید (۱۳۶۹). *تذکره صفویه کرمان*، مقدمه و تحشیه محمدابراهیم باستانی پاریزی، تهران: علم.
- منجم، ملاجلال‌الدین (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال*، ترجمه سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- منشی قمی، قاضی احمد بن حسین (۱۳۸۳). *خلاصه‌التواریخ*، تصحیح احسان اشراقی، ج ۱، تهران: دانشگاه تهران.
- میرزا رفیعا، محمدرفیع بن حسن (۱۳۸۵). *دستورالملوک میرزا رفیعا*، به کوشش و تصحیح محمد اسماعیل

- مارچینکوفسکی، ترجمه علی کردآبادی، با مقدمه منصور صف گل، [به سفارش] مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- میرزا سمیعا، محمدسمیع (۱۳۷۸). *تذکره الملوک*، به کوشش محمد دبیرسیاقتی، سازمان اداری حکومت صفوی، یا تعلیقات استاد مینورسکی بر *تذکره الملوک*، ترجمه مسعود رجب نیا، با حواشی و فهرس و مقدمه و امعان نظر محمد دبیرسیاقتی، تهران: امیرکبیر.
- نصیری، میرزا علی نقی (۱۳۷۱). *القاب و مواجب دوره سلاطین صفویه*، تصحیح یوسف رحیم‌لو، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- نطنزی، معین‌الدین (۱۳۳۶). *منتخب التواریخ معینی*، تصحیح ژان اوبن، تهران: خیام.
- نوابی، عبدالحسین (۱۳۴۷). *شاه اسماعیل صفوی، اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی*، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- واله اصفهانی، محمدیوسف (۱۳۸۰). *ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (۱۰۳۸-۱۰۷۱ ق) حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم خلاد برین*، تصحیح و تعلیق و توصیفات و اضافات محمدرضا نصیری، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ورهرام، غلامرضا (۱۳۶۸). *نظام حکومت ایران در دوران اسلامی، پژوهشی در تشکیلات اداری، کشوری و لشکری ایران از عصر مغول تا پایان عصر قاجار*، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.